

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در خصوص نظم شکل گرفته در جهان، به نکات قابل تأملی اشاره فرمودند. با توجه به عمق این مباحث و اهمیت آن، لازم است صاحب نظران به مسئله ورود پدیده جدید، به تجزیه و تحلیل و واکاوی آن بپردازند تا در سادگی معرفت و بصیرت نسبت به جهان پدیده رامون، جاگاه آران را در عرصه جهانی بهتر شناخته و نقشه راه آینده با درایت فراگیر تر ترسیم شود.

ایشان در نگاهی کلان و روشنگرانه و با استدلال، نظم کنونی جهان و منطقه را در تقسیم در حال تغییر و تبدیل دانستند، و اینکه بدون تردید نطفه نظم جدیدی در حال شکل گیری است.

با توجه به نقش بی بدیل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در به هم خوردن و فروپاشی نظم فعلی، برای نظم آتی چه تصویری وجود دارد؟ و ایران چه نقشی میتواند ایفا نماید؟ این سؤال سرنوشت ساز نه تنها پیش روی جمهوری اسلامی ایران بلکه جهان مطرح است. پاسخ صحیح به این سؤال را از دو منظر با دنگرست:

1- جهان در ظرف چند قرن اخیر دوره‌های پرفرازونشی را پشت سر گذاشته است. دوران استعمار که از قرن پانزدهم شروع و تا سده آخر قرن 19 به طول انجامید. در این دوره کشورهای استعماری و مسلط تحت نام عمران و آبادانی کشورهای مستعمره، همه دارایی و ثروت آنها را به غارت بردند. کشورهای اروپایی که پرچمداران استعمار هستند در این دوره، آزادی و استقلال را که حقوق اولیه انسان‌هاست زرد پا گذاشتند و دوران ساهی را در تاریخ بشریت رقم زدند. به دنبال دوران استعمار، جنگ جهانی اول (1917-1919) و جنگ جهانی دوم (1939-1945) اتفاق افتاد. این دو جنگ جهانی نه تنها باعث تخریب اقتصاد ملل شد، بلکه فاجعه انسانی را به دنبال داشت. اهداف این دو جنگ خانمان سوز دعوا بر سر سرزمین و تقسیم جغرافیا بین خود در جنگ جهانی اول و پس از آن دعوا بر سر بازار در جنگ جهانی دوم بود. دستاوردهای جنگ‌ها ابتدا تشکلی جامعه ملل و بعد ایجاد سازمان ملل متحد بود، سازمانی که علی‌رغم عضویت همه کشورهای جهان در آن و داشتن مجمع عمومی، اما از لحاظ ساختاری کاملاً در اختیار قدرت‌های مسلط استعماری می‌باشد.

با پشت سر گذاشتن دو جنگ جهانی، جنگ سرد (1945-91) آغاز شد و کشورهای جهان به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت نفوذ و سلطه اروپا، آمریکا و روسیه قرار گرفتند. آزادی، استقلال و اقتصاد ملی آنها مورد تاراج قرار گرفت و شاخص‌های انسانی و اقتصادی آنها به شدت تنزل پیدا کرد. در این دوره مبارزات کشورهای فقیر، مستعمره و جهان سوم علیه کشورهای غنی و سلطه‌گر شکل گرفته و بسیاری از کشورها در آفریقا، آسیا و آمریکا کالی‌لانه از سلطه آزاد شدند و جشن استقلال گرفتند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی ختن در 1989 جهان در آستانه تک‌قطبی شدن قرار گرفت و رئیس جمهور آمریکا، تئوری نظم نوین جهانی را مطرح ساخت و به دنبال آن در دهه‌های اخیر، موضوع حکمرانی خوب در محافل سیاسی و در سطح سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گرفت و به عنوان یک الگوی حکمرانی در بستر تئوری "نظم نوین جهانی" و جهانی‌سازی، توجهات را به خود معطوف ساخت. حکمرانی خوب که مبتنی بر مقولاتی چون پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، برابری، مبارزه با فساد، کارایی و اثربخشی است، نتوانسته است ذهنیت گذشته بشریت نسبت به استعمار قدیم و جدید، عملکرد جهانی‌سازی و نظم نوین جهانی را پاک نماید. همان‌طور که نظام لبرال دموکراسی غرب به نام آزادی و حقوق بشر هر اقدامی علیه آزادی و حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان را بر خود روا می‌داشتند، امروز در سادگی شعارهای فریبنده حکمرانی خوب برخلاف اصول مطرح آن عمل می‌کنند. آنها مدعی هستند که در اجرای این اصول در کشورهای خودشان، از بالاترین امتیاز برخوردار می‌باشند ولی کن در دیگر کشورها مانند ایران که همسوی با نگرش آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود ندارد در پائین‌ترین رتبه‌ها قرار می‌گیرند.

امروز ملت‌های جهان، دیگر به شعارها و ارزش‌های مورد ادعای نظام‌های سلطه و قدرت‌های استکباری اعتماد ندارند، از دوران سه‌ام استعمار تا جنگ‌های جهانی اول و دوم و از جنگ سرد تا جهانی‌سازی و از نظم نوین جهانی تا حکمرانی خوب. در نتیجه ملت‌ها در تعارض با وضع موجود در پی نگرش و نظم جدیدی هستند و نجات خود را در حاکمیت ارزش‌های می‌آیند که با سنت‌های الهی‌گرا خورده باشد و بازگشت به فطرت‌های پاک انسانی را نوید دهد.

2- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، الگویی از حکمرانی آرمانی می‌دهد که می‌تواند نویدبخش آینده جهان باشد. در این مدل جهان‌بینی الهی و براساس فرآیند کارکردی آن، تعالی انسان را هدف‌گذاری می‌نماید. در جهان‌بینی الهی دو مبنای اسلامیت در چارچوب اصول، توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت مطرح است و جمهوریت مبتنی بر اصول پنج‌گانه قانونمداری اسلامی، پاسخگویی در برابر خداوند، تأمین آزادی‌های مشروع، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و نفی سلطه، شفافیت و نظارت می‌باشد. کارکرد این جهان‌بینی مهندسی فرهنگی از طریق تعمیم باورهای دینی، آزادی اعتقادات، دانایی محوری، ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، مردم‌سالاری دینی از طریق حاکمیت ولایت فقیه، مشارکت سیاسی مردم در ارکان حکومت، تفکک قوای سه‌گانه زیر نظر ولی فقیه، تضمین حقوق قانونی مردم و ایجاد سرمایه اجتماعی و تحقق توسعه اقتصادی عدالت‌محور است و نهایتاً دستاورد چندین حکمرانی تعالی انسان در سه‌گانه کمال معنوی که خودسازی فردی و اجتماعی و کمال مادی شامل تأمین نیازهای مادی و حفظ کرامت انسان در تأمین نیازها خواهد بود.

امید است جهان امروز در تشخیص و تعریفی که پیش روی دارد و این تغییر و تحول اجتناب‌ناپذیر است اشتباه نکند و با سوق افتن در مسیر کمال که اسلام ناب و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌تواند رهنمون باشد، رستگاری خود را در قرن‌های آتی رقم بزند.

تاریخ نگارش مطلب: 15/06/1393